

۸۹۹۱
۳۶۶۱/۲۹

نظریه عمومی عدالت

در علم حقوق

دکتر حسن کریمی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

خدیجه شیروانی

علیرضا آبین

دانشجویان دکتری و مدرسین دانشگاه

خسرو شیر
داد

سرشناسه	: کریمی، عباس، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: نظریه عمومی عدالت در علم حقوق / عباس کریمی، علیرضا آبین، خدیجه شیروانی.
مشخصات نشر	: تهران: دادگستر؛ ارومیه: عباس کریمی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۰ ص.
شابک	: ۳۰۰۰۰ ریال : ۴-۱۰۳-۲۸۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: عدالت
موضوع	: Justice
موضوع	: اسلام و عدالت
موضوع	: Islam and Justice
شناسه افزوده	: آبین، علیرضا، ۱۳۶۶ -
شناسه افزوده	: شیروانی، خدیجه، ۱۳۶۸ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ن ۶ ک / ۵۷۸ JC
رده بندی دیویی	: ۳۱۰۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۴۸۱۰۴

نظریه عمومی عدالت در علم حقوق

مؤلفین: دکتر عباس کریمی، علیرضا آبین و خدیجه شیروانی
 ناشر: انتشارات دادگستر با همکاری انتشارات دکتر عباس کریمی
 چاپ اول: بهار ۱۳۹۶
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۴-۱۰۳-۲۸۲-۶۰۰-۹۷۸

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر دادگستر محفوظ است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

دفتر مرکزی انتشارات: تهران، میدان حضرت ولی عصر (عج)، بلوار کشاورز، ابتدای

خیابان فلسطین، کوچه شهید ذاکری، بن بست سوم، پلاک ۶

تلفن ۸۸۹۰۳۴۶۵ - ۸۸۹۰۵۴۶۰ فکس ۸۸۹۱۰۳۳۳

کدپستی: ۱۴۱۶۷۵۳۶۸۱

آدرس سایت: www.dadgostarpub.ir

فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

بخش نخست - تحلیلی بر اندیشه عدالت در نظام‌های حقوقی

فصل نخست - ضرورت شناخت مفهوم عدالت ۲۱

مبحث نخست: طرح نظریات گوناگون پیرامون ضرورت شناسایی مفهوم عدالت ۲۱

مبحث دوم: نظریه برگزیده: عدالت خواهی به مثابه امری فطری ۲۷

فصل دوم - نظریه‌های مطرح شده پیرامون اندیشه عدالت ۳۱

مبحث نخست: اندیشه عدالت در نظام حقوقی غرب ۳۳

بند نخست: پیشینه نظری عدالت در غرب ۳۳

بند دوم: نظریه ارسطو ۳۸

الف) طرح نظریه ۳۸

ب) عدالت توزیعی و آثار حقوقی آن ۴۰

ج) عدالت اصلاحی (تصحیحی یا تنظیمی) و آثار حقوقی آن ۴۳

د) رابطه عدالت توزیعی و اصلاحی و آثار حقوقی آن ۴۶

بند سوم: نظریه فایده‌گرایی ۴۹

الف) طرح نظریه ۴۹

ب) آثار حقوقی نظریه فایده‌گرایی ۵۶

۱- تأثیرات کلی بر علم حقوق ۵۶

۲- تأثیر بر حوزه حقوق خصوصی ۵۶

۳- تأثیر بر حوزه حقوق کیفری ۵۷

بند چهارم: نظریه عدالت ایمانوئل کانت ۵۹

الف) طرح نظریه ۵۹

ب) آثار حقوقی نظریه کانت ۶۳

- ۱- تأثیرات کلی بر علم حقوق ۷۳
 - ۲- تأثیر بر حوزه حقوق خصوصی ۷۱
 - ۳- تأثیر بر حوزه حقوق کیفری ۷۰
- بند پنجم: نظریه عدالت اجتماعی از پیدایش تا تحول به سوی «عدالت به مثابه انصاف» ۷۰
- الف) پیشینه نظریه عدالت اجتماعی ۷۰
 - ب) طرح نظریه عدالت اجتماعی ۷۲
- ۱- نمایی از پیشینه سیر تحول عدالت اجتماعی ۷۲
 - ۲- تأثیر اصل استحقاق بر اندیشه عدالت اجتماعی ۷۲
 - ۳- تأثیر اصل نیاز بر اندیشه عدالت اجتماعی ۷۸
 - ۴- رابطه اصل استحقاق با اصل نیاز ۸۱
- ۷- تأثیر اندیشه عدالت به مثابه انصاف در نظریه عدالت اجتماعی ۸۲
- ج) آثار حقوقی اندیشه عدالت اجتماعی ۹۹
- ۱- تأثیرات کلی بر علم حقوق ۹۹
 - ۲- تأثیر بر حوزه حقوق خصوصی ۱۰۰
- بند ششم: تحلیل اقتصادی حقوق و علم اقتصاد (عدالت) ۱۰۲
- الف) پیشینه و جایگاه تحلیل اقتصادی در حقوق غرب ۱۰۲
 - ب) طرح نظریه مفهوم اقتصادی عدالت ۱۰۴
 - ج) آثار حقوقی مترتب بر تحلیل اقتصادی حقوق ۱۰۹
- ۱- تأثیرات کلی بر علم حقوق ۱۰۹
 - ۲- تأثیر بر حوزه حقوق خصوصی ۱۱۰
 - ۳- تأثیر بر حوزه حقوق کیفری ۱۱۴
- مبحث دوم: نظریه عدالت در نگاه صاحب نظران و اساتید حقوق ایران ۱۱۵
- بند نخست: نظریه دکتر ناصر کاتوزیان^(۹) ۱۱۶
- الف) طرح مطلب: ۱۱۶
 - ب) طرح نظریه ۱۱۶
- بند دوم: نظریه دکتر جعفر جعفری لنگرودی ۱۲۴
- الف) روش‌شناسی فهم آرای دکتر جعفری لنگرودی ۱۲۴
 - ب) طرح نظریه دکتر جعفری لنگرودی ۱۳۰

۱- کارکرد عدالت در علم حقوق.....	۱۳۱
۲- شیوه پیشنهادی دکتر جعفری لنگرودی.....	۱۴۰
بند سوم: نظریات دکتر سید حسین صفایی و دکتر مهدی شهیدی و تحلیل آن‌ها.....	۱۷۶
مبحث سوم: نظریه عدالت در نگاه فقیهان امامیه.....	۱۸۱
بند نخست: جلوه‌گاه عدالت در معرفت شناسی اسلامی.....	۱۸۱
بند دوم: جایگاه عدالت در نظام حقوقی اسلام.....	۱۸۳
الف) نظریه محوریت عدالت نسبت به قوانین و نقد آن.....	۱۸۶
ب) نظریه محوریت مطلق وحی و نقد آن.....	۱۸۹
ج) نظریه برگزیده (توازن در محوریت عدالت و وحی در ارزیابی قوانین).....	۱۹۳
بند سوم: مرئی‌ها: فقیهان در باب اندیشه عدالت.....	۱۹۸
الف) جایگاه عدالت نزد اندیشوران مسلمان.....	۱۹۸
ب) مبانی معرفت عدالت نزد فقیهان.....	۲۰۰
ج) نظریه عدالت در نگاه اندیشوران مسلمان.....	۲۰۳
۱- عدالت به مثابه حد میان اراط و غریط.....	۲۰۳
۲- نتیجه تحلیلی اندیشه عدالت در حقوق اسلام.....	۲۲۱
مبحث چهارم: نظریه برگزیده: عدالت اخلاق محور.....	۲۲۶

بخش دوم - شاخص‌های تأثیرگذار بر اندیشه عدالت

فصل نخست - مطالعه تحلیلی عینی یا اعتباری بودن اندیشه عدالت.....	۲۴۱
مبحث نخست: نظریه اعتباری بودن عدالت.....	۲۴۵
بند نخست: پیشینه و جایگاه نظریه اعتباری بودن عدالت.....	۲۴۵
بند دوم: تبیین نظریه اعتباری بودن عدالت.....	۲۴۸
مبحث دوم: نظریه عینی (واقعی بودن) مفهوم عدالت.....	۲۵۲
بند نخست: پیشینه و جایگاه نظریه عینی بودن عدالت.....	۲۵۲
بند دوم: تبیین نظریه عینی و واقعی بودن عدالت.....	۲۵۴

۲۵۴	الف) نظریه فیلسوفان یونانی و برخی از پیروان حقوق طبیعی (فطری).....
۲۶۰	ب) دیدگاه نظریه پردازان شیعه.....
۲۷۲	مبحث سوم: تحلیل نظریه برگزیده: تطابق هست و باید.....
۲۷۵	فصل دوم - مطلق یا نسبی بودن اندیشه عدالت.....
۲۷۵	مبحث نخست: جاودانگی یا عصری بودن مفهوم عدالت.....
۲۷۹	مبحث دوم: اندیشه‌های پیرامون «نسبی یا جاودانه بودن عدالت».....
۲۷۹	بند نخست: نظریه اندیشمندان غربی.....
۲۸۶	بند دوم: نظریه اندیشمندان مسلمان.....
۲۸۶	الف) موقدانسازان.....
۲۸۷	۱- اندیشه نسبیست عدالت از منظر دکتر ناصر کاتوزیان.....
۲۹۲	۲- دکتر جعفر عابدینی.....
۲۹۶	ب) فقیهان امامیه.....
۳۰۳	ج) دیدگاه برگزیده: نسبیست عدالت در برابر قاعده‌مند.....
۳۱۱	فصل سوم - ارتباط عدالت با سایر ارزش‌ها و اهداف حقوقی.....
۳۱۲	مبحث نخست: اندیشه‌ها و مبانی شکل‌گیری آن.....
۳۱۲	بند نخست: پیشینه نظری اندیشه‌ها.....
	بند دوم: نظریه‌های مطرح شده پیرامون ارتباط عدالت با سایر ارزش‌ها و اهداف حقوقی.....
۳۱۴	الف) اندیشه فردگرا - عدالت‌گرا و مبانی شکل‌گیری آن.....
۳۱۵	۱- طرح نظریه.....
۳۱۹	۲- مبانی شکل‌گیری نظریه.....
۳۲۴	۳- نقد نظریه فردگرا - عدالت‌گرا.....
۳۲۵	ب) اندیشه جامعه‌گرا - نظم‌گرا و مبانی شکل‌گیری آن.....
۳۲۵	۱- طرح نظریه.....
۳۲۹	۲- مبانی شکل‌گیری نظریه.....

۳۳۲	۳- نقد نظریه جامعه‌گرا - نظم‌گرا
۳۳۳	ج) نظریه میانه یا معتدل
۳۳۳	۱- طرح نظریه
۳۳۳	۲- مبانی شکل‌گیری نظریه
۳۳۹	۳- نقد نظریه میانه یا معتدل
۳۴۰	د) اندیشه آمیزه فرد و جامعه - عدل و نظم و مبانی شکل‌گیری آن در حقوق اسلام
۳۴۰	۱- طرح نظریه
۳۴۱	۲- مبانی شکل‌گیری نظریه
۳۵۴	۱) نظایه حقوق و حقوق‌دانان ایران
۳۵۴	۱- حقوق ایران
۳۵۶	۲- حقوق‌دانان ایران
	مبحث دوم: تحلیل نظریه برگزیده: عدالت و آمیزه‌ای از فرد و جامعه به مثابه اهدافی
۳۶۰	ممتاز
۳۶۰	بند نخست: هدف به مثابه قاعده
۳۶۰	الف) شیوه حقوق بومی
۳۶۲	ب) شیوه حقوق غرب
۳۶۵	بند دوم: طرح نظریه برگزیده
۳۶۸	بند سوم: اعمال نظریه برگزیده در حقوق قراردادها
۳۶۸	الف) حقوق قراردادها
۳۶۹	۱- ماهیت‌شناسی تحلیلی قصد و آثار آن
۳۸۳	۲- مطالعه تحلیلی ابراز اراده
۳۹۱	۳- اراده باطنی و اراده ظاهری
۳۹۷	ب) حقوق مسئولیت مدنی
۴۰۱	نتیجه
۴۱۳	فهرست منابع

مقدمه

عدالت (در مفهوم توازن و تعادل) سرتاسر پهنه گیتی را درنوردیده و حکومت خویش را بر تمامی شئون تکوینی و تشریعی (اعتباری) جهان ممکنات تثبیت و مستقر نموده است؛ تا جایی که سخنی گزاف نیست اگر ادعا شود اصل «امتناع اجتماع نقیضین» که بنیان تمامی کائنات و اعتباریات را شکل می‌دهد، خود مبنای دیگر داشته و ریشه در «رُزْمَنِ «عدالت» دوانده، چه این که اصل مزبور حاکی از تعادل و توازنی است که سایه بر گستره تکوینیات و اعتباریات گسترانده است؛ از همین روست که ختم رسل (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ...»^۱ یا «الْمُلْكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الْإِيمَانِ»^۲. از این روایت ذکر شده به آسانی می‌توان این مطلب را دریافت که اصل و اساس عالم ممکنات (تکوینیات یا تشریعیات و اعتباریات) بر پایه «عدالت» استوار است. از این رو عدالت را باید به مثابه «قاعده» در عالم آفرینش انگاشت و سایر امور را از فروع آن دانست.

۱. فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۶۲۸، ذیل آیه از سوره النور: من سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، انتشارات طه، قم، ۱۳۸۹ ه. ش، چاپ هفتم، ج ۱، ص ۱۹.
۲. روایت مزبور از پیامبر (ص) می‌باشد. رک: سروی مازندرانی، محمد صالح بن حماد، شمس، شرح الکافی، محقق و مصحح: ابوالحسن شعرانی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ ه. ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۱.
۳. شایان ذکر است مقصود ما از ابتدای عالم تکوین و اعتبار بر عدالت (توازن) غیر از مسئله عدالت الهی است که مشهور متکلمان و اصولیون شیعی معتقدند، زیرا طبق دیدگاه اخیر، عالم تکوین و تشریع بر پایه عدل الهی استوار است به این معنا که خلقت خداوند در نظام تکوین بر طبق ضابطه و میزان خاصی است که نه عبث و بیهوده (حکمت الهی) و نه ظالمانه و از روی ستم (عدل الهی) می‌باشد. همچنین عالم تشریع که نمود آن در احکام تشریعی است نیز بر پایه عدل الهی می‌باشد زیرا احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی (نفس الامری) هستند. زیربنای چنین عقیده‌ای این است که عالمان شیعی، عدل را امری واقعی دانسته که بر نظام‌های تکوین و تشریع سایه افکنده و عقل انسان توان درک و دریافت حسن عدل (و قبح ظلم) را دارد. در این زمینه بعداً توضیح بیشتری خواهیم داد. (مطهری، مرتضی، بیست گفتار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۰ ه. ش، ص ۳۷ به بعد).

اندیشه عدالت از نخستین روزهای پیدایش حیات تا هنگام جاودانگی جزء جدایی ناپذیر زندگی بشر را به خود اختصاص داده است؛ از این رو اندیشه عدالت را باید مقوله‌ای فرا زمانی و فرا مکانی دانست. عدالت را مفهومی ساده انگاشتن، تصویری است ساده انگارانه که خطرناک و رهن است. به عقیده ما عدالت صرفاً یک مفهوم ساده نیست، بلکه بیانگر یک آرمان است؛ آرمانی که بیانگر دورنمای مطلوب و ایده‌آل زندگی بشر است. در نگاهی دیگر اندیشه عدالت به مثابه ابزاری ارزشمند می‌ماند که بشر همواره در صدد شناخت ابعاد و زوایای آن است و می‌کوشد تا اصول حاکم بر آن را شناخته بهیچ وجه قربان نباشد.

مطالعه تاریخ اندیشه حاکم بر عدالت به خوبی بیانگر دو رویکرد عمده در خصوص عدالت و اصول حاکم بر آن بوده است. در نخستین و کهن‌ترین رویکرد به عدالت، عدالت به مثابه ابزاری اخلاقی است و در دومین رویکرد که در سده‌های اخیر به ویژه در غرب پدید آمد، عدالت به مثابه ابزاری در جهت افزایش لذت طلبی محسوب می‌شود.^۱ رویکرد لذت طلبی مکتب فایده‌گرایی آغاز شد و امروزه می‌توان مکتب تحلیل اقتصادی حقوق را وامدار آن دانست که در جامعه‌ای نو جلوه‌گر شده است. اما در گرایش اخلاق مدارانه به عدالت، عدالت پدیده‌ای اخلاقی است که

۱. یکی از نظریه پردازان حوزه عدالت در غرب افکار مطرح شده غربی - اخلاقی عدالت را به دو دسته تقسیم می‌کند. یک دسته افکاری هستند که هدف را در تحقق فایده و اوج سعادت مادی و معنوی خلاصه می‌کنند و موسوم به مکتب (Utilitarian) است و دسته دیگر گرایش به وظیفه گرایی (Deontological) داشته و معتقد هستند عدالت دارای تکالیفی بایسته و محدود است که نباید حتی جهت تحقق اهداف مطلوب نیز از آن‌ها تجاوز نموده یا چشم پوشی کرد. ایده اصلی وظیفه گرایان این است که برخی از امور به طور ذاتی درست هستند خواه مفید باشند یا نباشند. بنابراین، گرایش مزبور که در فلسفه اخلاق جدید به گرایش وظیفه گرایی موسوم است، عدالت را جزء تعهدات اخلاقی به شمار می‌آورد. برای مطالعه بیشتر رک: جانستون، دیوید، فلسفه حقوق غرب: مفهوم عدالت در گستره تاریخی. (مترجم: علیرضا میرزایی، انتشارات راه نوین، تهران، ۱۳۹۴. ش. ص ۵ به بعد). وی معتقد است: «نظریه عدالت چیزی نیست جز وسیله‌ای که انسان اختراع کرده و به بهبود و اصلاح آن اقدام نموده است، اما این وسیله مانند هر وسیله دیگری نهایی نیست و نمی‌توان هر بار طبق میل انسان از نو ساخته شود و حداقل نمی‌توان انتظار داشت اصل وظیفه عدالت را تغییر داده. ص ۱۱.

برخاسته از تعهد اخلاقی بوده و مؤلفه‌های اخلاقی را در درون خویش می‌پرود. به عقیده ما گرایش اخلاق به عدالت اگرچه گرفتار اُفت و خیزهایی بوده است اما هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته و به طور مستمر به حیات خود ادامه داده است؛ به گونه‌ای که در وهله‌ای از تاریخ، بعد اخلاقی عدالت شدت بیشتری داشته و در وهله دیگر بیشتر به دنبال حل مسئله حقوقی و تنازع ناشی از آن بوده است. با توجه به این که امروزه در حقوق غرب نظریه پردازانی نظیر جان رالز^۱ کوشده‌اند تا چهره اخلاقی عدالت را پررنگ‌تر کنند به نظر می‌رسد تفسیر نظریه عدالت وی به «عدالت به مثابه انصاف» یا «عدالت به مثابه طرفی» که تفسیر مشهوری است چندان دقیق نباشد بلکه باید نظریه جان رالز را با تفسیری مناسب به «عدالت به مثابه اخلاق» تعبیر نمود. با وجود این به نظر ما در حقوق اسلام از همان ابتدا جنبه اخلاقی عدالت غلبه داشته است. در حقوق اسلام برقراری عدالت، صرفاً برای حل یک مسئله حقوقی نبوده بلکه علاوه بر آن، دمیدن روح اخلاق والای انسانی نیز^۲ است. به نظر ما بر خلاف آنچه مشهور حقوق دانان معتقدند که انصاف برای تعدیل چهره خشن عدالت آمده است و عدالت صوری را به عدالت ماهوی تبدیل می‌کند؛ در حقوق اسلام، انصاف جزئی از عدالت است تا امری بیرون از آن و وسیله‌ای صرفاً جهت تعدیل چهره خشن آن. این امر نشانگر این است که ماهیت قواعد حقوقی اسلام عادلانه است ام عدالت اخلاق محور که جنبه اخلاقی آن غلبه‌ای چشم‌گیر دارد و هدفش دمیدن روح اخلاق^۳ «سلامی در جامعه می‌باشد. به همین دلیل است که در آیاتی که دستور به اقامه قسط و عدل دارند^۴، از

۱. رک: نوشتار حاضر ذیل اندیشه عدالت به مثابه انصاف جان رالز.

۲. آیاتی نظیر:

«أَن اللّٰهُ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...» (نحل/۹۰).

«قُلْ أَمْرٌ رَبِّیْ بِالْقِسْطِ...» (اعراف/۲۹).

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَرْسَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/۲۵).

«... وَ أَن تَقُومُوا لِرَبِّکُمْ بِالْقِسْطِ...» (نساء/۱۲۲).

«... وَ أَن حُکْمَ فَاحِکِم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ...» (مائده/۴۲).

انصاف سخنی به میان نیامده؛ زیرا انصاف که بیانگر چهره اخلاقی و تعدیل کننده عدالت است در نگاه حقوق اسلامی، جزء جدایی ناپذیر مفهوم و اصول حاکم بر عدالت محسوب می‌شود.^۱ نکته مهم دیگر این که اهداف حقوق باید بر پایه اهداف اخلاقی شکل گیرند از این رو در قرآن کریم، احکام حقوق همراه با احکام اخلاق بیان می‌شوند چرا که احکام حقوقی اسلام باید در چارچوب اخلاق واقع شوند،^۲ زیرا بر خلاف سایر نظام‌های حقوقی که تنها در جهت تامین مصالح اجتماعی دنیای کنونی افراد هستند، در حقوق اسلام هدف اصلی و نهایی حقوق یعنی برپایی عدالت و تامین مصالح اجتماع انسان، هدف متوسط و وسیله دستیابی به هدف نهایی اخلاق یعنی کسب رضای الهی است. بنابراین در فرض تعارض حقوق و اخلاق، اخلاق مقدم است زیرا فلسفه قانونگذاری در حقوق اسلام هموار ساختن راه دستیابی موجود به غایت اخلاقی یعنی سعادت^۳ است. بدین همه نباید از نظر دور داشت که در علم حقوق حتی از نوع مذهبی آن، امنیت ترقی نزد، کنار عدالت حقوقی اهمیت ویژه‌ای داشته و به همین دلیل گرچه هدف اصلی از است پیامبر (ص)، ارتقای سطح اخلاق در جامعه ذکر شده^۴ ولی در حقوق اسلامی، گاهی مرز بین اخلاق و حقوق متمایز می‌شوند و حقوق متکفل تنظیم امور دنیوی جامعه می‌گردد.

عدالت در مفهوم اجتماعی آن، تنها منحصر به علم حقوق نیست بلکه در سایر علوم انسانی و اجتماعی که به نوعی با انسان و روابط او با سایرین مرتبط است نیز قابلیت

۱. ر.ک: نوشتار حاضر ذیل نظریه برگزیده با عنوان «عدالت اخلاق محور».

۲. مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷.
ه.ش. ص ۴۴ به بعد.

۳. جمعی از نویسندگان، درس‌نامه فلسفه حقوق، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۲.
ه.ش. چاپ چهارم، ص ۳۵.

۴. برای مطالعه بیشتر و دیدن نظریه برگزیده در این زمینه، مراجعه کنید به کتاب حاضر، مبحث چهارم: نظریه برگزیده: «عدالت اخلاق محور».

۵. انما بعثت لائم مکارم الاخلاق

طرح دارد؛ از همین روست که مسئله عدالت در علوم نظیر اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و... به مهم‌ترین بحث محافل علمی بدل شده و همواره از پویایی و نشاط خاصی برخوردار است. علم حقوق نیز که به عنوان یکی از بارزترین علوم انسانی و اجتماعی به شمار می‌آید، همواره در پی دستیابی به اندیشه ناب عدالت و اعمال آن در آموزه‌های حقوقی بوده و هست. شاید بتوان ادعا نمود دشواری علم حقوق در دستیابی به مفهوم و مصادیق عدالت از سایر علوم انسانی و اجتماعی به مراتب دشوارتر است چرا که امروزه کمتر مسأله‌ای را می‌توان یافت که در ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با علم حقوق باشد؛ از دین، مذهب و اخلاق گرفته تا سیاست، اقتصاد و به طور کلی شرایط زمانی و مکانی؛ و بی‌شک فراتر از این‌ها علوم مهندسی، پزشکی و پایه نیز هر یک سهم به سزایی در تحولات حقوقی داشته‌اند. برای نمونه امروزه کمتر اندیشمندی را می‌توان یافت که نقش تحولات صناعی - که ریشه در پیشرفت علوم مهندسی دارند - را در حقوق مسئولیت مدنی، قراردادهای الکترونیک و حتی حقوق کیفری انکار کند. این عوامل و عواملی از این دست، سبب شده تا مفهوم و مصادیق عدالت به ویژه در علم فقه و حقوق به شدت مجمل شده و به تعبیر دقیق‌تر جزء شبهات مفهومی و مصداقیه محسوب شوند؛ مروری بر تاریخ اندیشه بشری خود گوا راستینی بر مدعای ماست چه این که دغدغه عدالت از دیرباز مورد توجه افراد بشر قرار داشته تا جایی که مدینه فاضله هر ملتی در گرو استقرار عدالت در آن جامعه بوده است. این دغدغه که برخاسته از بطن جامعه است موجب شده تا اندیشوران در هر برهه‌ای از تاریخ سعی در عرضه تعریف و بیان ضابطه‌ای جهت شناخت و اجرای عدالت نموده و در حد استعداد و فهم خویش تفسیری از عدالت را بیان نمایند.

این تلاش اندیشه و تفکر که در تاریخ علم ثبت شده، خود مبین این مطلب است که عدالت مفهومی پیچیده و گسترده داشته که هر اندیشمندی حسب توان و استعداد علمی خویش تنها توانسته بُعدی از ابعاد پنهان آن را کشف و تبیین نماید. پس باید همت گمارد تا با بازاندیشی و ژرف کاوی مجدد، ابعاد تازه‌ای از این مفهوم اساسی در

علم حقوق را شناسایی کرده، از ابهام، اجمال و شبه انگیز بودن آن نهراسید چه این که معروف است «المیسور لا یسقط بالمعسور».

کتاب حاضر که در زمره کتب «فلسفه حقوق» جای می گیرد، از این جهت «نظریه عمومی عدالت در علم حقوق» نامیدیم که متکفل تحلیل و بررسی مبانی، مسائل و راه کارهای مختلف - و بعضاً پراکنده - مرتبط با حوزه اندیشه عدالت در علم حقوق است تا از این رهگذر، قواعد و اصول حاکم و مرتبط با موضوع «عدالت» را در مجموعه ای منسجم و هماهنگ مورد بحث، تحلیل و تفسیر قرار داده^۱ و زوایای مختلف و تاریک این پدیده به شدت پیچیده را آشکارتر سازیم. بنابراین مطالب کتاب از جهتی «نظریه اختصاصی» اند از جهتی نیز «نظریه عمومی» می باشند؛ از این جهت اختصاصی اند که تنها به تحلیل اندیشه عدالت در یکی از شاخه های علوم اجتماعی یعنی علم حقوق می پردازد؛ و از این جهت عمومی هستند که مبانی، مسائل و راه کارهای مختلف - و بعضاً پراکنده - مرتبط با حوزه اندیشه عدالت در علم حقوق را به بحث خواهد نشست و انسجام خواهد بخشید. ضمن این که - در این نخستین گام -

۱. به نظر می رسد عنوان «نظریه عمومی» (general theory)، عنوانی عام است که در علم حقوق می توان اصطلاحات «نظریه حقوقی» یا «تئوری حقوقی» (theory of law) یا «دکترین حقوقی» (doctrine of law) را زیر مجموعه آن دانست. برخی اساتید حقوق معتقدند که: «مجموعه ای از آراء و نظریاتی مختلف که به منظور تفسیر و توضیح یک موضوع یا پدیده به شکل منظم در کنار یکدیگر قرار گیرند، «نظریه عمومی» نام می شود. «نظریه حقوقی» که معادل آن، گاه «تئوری حقوقی» و گاه دیگر «دکترین حقوقی» است (عبارتند از) مجموعه ای تنظیم شده و هماهنگ از اصول، قواعد و مفاهیم حقوقی با توجه به موضوعات یا حوزه های خاص حقوقی؛ ... (به عبارت دیگر): نظریه حقوقی یک مجموعه هماهنگ است که در آن، قضایا و مسائل مرتبط با هم به عنوان اصول توضیحی و توصیفی یک پدیده یا موضوع خاص مورد استفاده قرار می گیرد. مانند نظریه عوض (consideration doctrine) یا نظریه جهت (theory or doctrine of cause = theory of motive) در حقوق قراردادها که از جمله موضوعات خاص اند یا نظریه قراردادها (theory or doctrine of contracts) که مربوط به حوزه خاص حقوقی است». محقق داماد، سید مصطفی، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ ه.ش، چاپ دوم، ص ۲۳.

کوشیده‌ایم تا در جای جای مباحث کتاب و تا حد امکان، دیدگاه‌هایی را با عنوان دیدگاه برگزیده خویش ارائه دهیم که قابلیت تبدیل به یک «نظریه حقوقی عمومی» و قابل اجرا در حوزه‌های مختلف مرتبط با پدیده عدالت حقوقی را داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد از جمله مهم‌ترین فواید و آثار طرح یک نظریه «حقوقی عمومی» این باشد که اولاً یک پدیده یا موضوع حقوقی به صورت مستقل و همه جانبه مطرح می‌شود؛ ثانیاً منجر به حل ابهامات و نقاط تاریک آن پدیده یا موضوع حقوقی شده و از این طریق، میزان ظرفیت و کارایی آن پدیده در عالم حقوق هرچه بیشتر آشکار خواهد شد؛ و ثالثاً امکان دستیابی به ایده و دیدگاهی را می‌دهد که قابلیت اجرا در حوزه‌های مختلف مرتبط با آن پدیده یا موضوع حقوقی مورد مطالعه را داشته باشد.

در کتاب پیش‌رو، در بدو امر ضمن تبیین ضرورت شناخت اندیشه عدالت، با نگاهی تحلیلی - انتقادی به بررسی اندیشه عدالت، قواعد و اصول حاکم بر آن در نظام‌های حقوقی غرب، ایران و اسلام پرداخته شده و نیز آثار حقوقی مترتب بر هر نظریه تبیین گشته است (بخش نخست). سپس به این سوالات بنیادین پاسخ داده شده است که آیا تشخیص مفهوم و مصادیق عدالت وابسته به نوع توافق افراد جامعه یا چگونگی صلاح‌دید قوای حاکمیت است و یا امری ذاتی و عینی بوده و مفهومی حقیقی دارد؟ آیا مفهوم و اصول حاکم بر عدالت، امری مطلق (فرا زمانی و فرا مکانی) هستند و یا این که بر عکس، جزء اموری نسبی و نسبی می‌شوند؟ و در نهایت رابطه عدالت با سایر ارزش‌ها و اهداف حقوقی نظیر نظم اجتماعی، امنیت قضایی و... چیست؟ (بخش دوم).^۱

۱- دیدگاه‌های ارزشمند و اصلاحی‌تان را می‌توانید به آدرس الکترونیکی ذیل ارسال فرمایید: